

### متن پرسش

سلام بر استاد: با توجه به سوال شماره ۱۴۳۵۵ که دوستی بیان کرده بودند که: (اخیراً متوجه شدم که من جایی نیستم، بلکه من فضایی هستم که کل این دنیا و اتفاقات درش رخ میدهد، به تعبیر دیگه من کل این فضای آگاهی هستم و همه ی اتفاقات در درون من رخ می دهد: ۱. آیا درک من درست است؟ ۲. اگر اینطور است چرا توجه من به بدنم بیشتره و مثلاً من ورزش باد بر روی گیاه را احساس نمی کنم ولی بر روی پوست خودم را احساس می کنم. ۳. چکار کنم توجهم نسبت به بدن کم شود؟ و شما در جواب فرموده بودید: ۱. به نظر بنده درک جنابعالی در این مورد خوب است ۲- چون نفس متوجه است با ابزاری مثل بدن به کمالات خود می‌رسد، نسبت به آن حساس است ۳- با رعایت حرام و حلال الهی امیال سرکش نفس کنترل می‌شود.) سوال اینجانب: آیا این طرز تفکری که برای این دوست عزیز ایجاد شده همانند تفکر سوفسطائیان که همه چیز را در درون خود می دانستند و عالم خارج را قبول نداشتند نیست؟ آیا اینکه دوست عزیز که فکر می کند «همه ی اتفاقات در درون من رخ می دهد» نوعی توهم همانند توهم سوفسطائیان و انکار عالم خارج و به عبارتی انکار بدیهیات نیست؟ آیا این تایید شما بر این طرز تفکر، به اشتباه تایید سوفسطاگری و توهمزدگی نیست؟ با تشکر

### متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: اگر این‌طور فرض کنیم که انسان تماماً آگاهی است و هر آن‌چه از بیرون می‌شناسد معلوم بالعرض اوست و معلوم بالذات او همان آگاهی نسبت به حقیقت است، این خوب است. ولی اگر این‌طور فرض شود که واقعیتی در بیرون نیست و آگاهی ما ساخته‌ی ذهن ما است همان سوفسطایی‌گری است که جنابعالی متذکر آن هستید. موفق باشید